

بررسی نقش دستوری، معنایی و کاربردشناختی ساختار بدل در آیات قرآن با تکیه بر رویکردهای نظری میسر و کویرک

بهمن گرجیان*
فرنگیس عباسزاده**

۱۹۷

ذهن

بررسی نقش دستوری، معنایی و کاربردشناختی ساختار بدل در آیات قرآن...

چکیده

در زبان‌شناسی جدید شناخت بافت زبانی و فرازبانی در حوزه مطالعات قرآنی برای تشخیص مفهوم واژگان و متن مورد توجه قرار گرفته است. قرآن به لحاظ زبان‌شناسی از آرائه‌های ادبی، اصطلاحات و مفاهیم عرفانی استفاده کرده است. در این پژوهش از رویکردهای نظری کویرک و همکاران و میسر به منظور تجزیه و تحلیل ساختار نحوی و معنایی و کاربردشناختی پیروی شد. در هر دو رویکرد محدودیت‌های نحوی، معنایی و کاربردشناختی بدل مطرح شده‌اند. یافته‌های تحقیق ضمن ارائه طبقه‌بندی انواع بدل در قرآن کریم، حاکی از آن بود که بدل در قرآن کریم به عنوان یک آرایه ادبی به فراهم کردن اطلاعات معنایی مناسب برای خواننده می‌پردازد که می‌تواند بین جمله‌واره‌های همپایه و پیرو ارتباط نحوی و معنایی برقرار کند. با کاربرد صحیح بدل در جمله می‌توان گفتاری با سبک زبانی و ادبی مناسب داشت که برای همگان قابل فهم باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که کاربرد بدل در قرآن کریم از لحاظ ساختاری می‌تواند تأثیر زیادی در ارتباط معنایی بین صورت بدل (دستوری یا ساختاری) و معنای آن ساختار (نقش معنایی) ایفا کند. این ارتباط به فهم خواننده از نقش کاربردشناختی بدل منجر می‌گردد. ساختارهای کاربردشناختی در این آیات عبارت بودند از تعهدی، اظهاری، ترغیبی و عاطفی که نشان از قاطعیت خداوند هنگام سخن‌گفتن از روز رستاخیز، هشدار و سعی در بیداری غافلان و کافران، تأکید خداوند بر حتمی بودن وقوع قیامت و اخطار به گناهکاران به ترس از آن است.

واژگان کلیدی: بدل، نقش دستوری، نقش معنایی، نقش کاربردشناختی.

* دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

b.gorjian@iauabadan.ac.ir

** دانشجوی دکتری رشته زبان‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

farangisabbaszadeh@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۵/۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲۷

مقدمه

زبان ابزاری برای انتقال معنا و برقراری ارتباط میان افراد جامعه است؛ نهادی اجتماعی (Social institution) و بخشی از نظام اجتماعی است (هلیدی، ۱۳۷۸، ص ۳۹). خداوند در بدو خلقت انسان به او بیان را آموخته است و انسان با این نعمت و موهبت الهی (God Gift) پا به عرصه حیات نهاده است. در پردازش متن گفتاری یا نوشتاری چندین شکل صوری و دستوری نمایان می‌شود. یک متن هنگامی معنا پیدا می‌کند که در همان موقعیت زبانی بررسی گردد؛ زیرا در غیر این صورت جوهر (Substance) و مفهومی ندارد و ارتباط طرفین متن بافت گفتمانی (Discoursal Context) به حساب می‌آید؛ بدین معنا که تعبیر (Interpretation) یک عبارت زبانی در خود آن نهفته است که برگرفته از ذهن گویشوران و ارتباط اجتماعی آنها با یکدیگر در بافتی خاص است (یارمحمدی، ۱۳۸۵، ص ۹۷، به نقل از: لاکوست، ۱۹۸۸). متن، وحدت زبانی و ارتباطی خاصی دارد که آن را «انسجام متنی» می‌نامند. در بررسی انسجام متن باید پدیده‌هایی را بررسی کرد که در یکپارچگی آن سهمیم هستند. انسجام به عنوان یک اصل تفسیری، به سطح مراد جدی کلام ناظر است و عدم انسجام در سطح مراد استعمالی، مخاطب را به سوی کشف انسجام در مراد جدی سوق می‌دهد. در متون روایی، انسجام متنی با معرفت زمینه‌ای و بافت ارتباط دارد. انسجام همه پیش‌فرض‌ها و فرض‌های پنهانی را در بر می‌گیرد که یک متن بدون آنها معنا پیدا نمی‌کند (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱). از نظر قائمی‌نیا بافت زبانی از نشانه‌ها و جملاتی تشکیل می‌شود که در یک متن به کار رفته‌اند. این نشانه‌های زبانی، در تفسیر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و به اصطلاح، این نشانه‌ها رابطه «هم‌معنا» دارند. سطحی‌ترین لایه جمله حاوی ساختارهایی است که شامل ساختارهای دستوری و روابط عناصر مختلف یک جمله یا چند جمله متفاوت می‌باشند (هلیدی، ۲۰۰۳، ص ۳۴۴). هلیدی نظر مالینوفسکی را می‌پذیرد که معتقد است زبان و ساختار آن بازتابی است از مقوله‌هایی که به واسطه تعامل کودک با محیط شکل ثابتی به خود می‌گیرد. نقش‌های زبانی همواره تأثیر خود را بر ساختار زبانی می‌گذارند.

کسی که دارای توانش ارتباطی (Communicative competence) است، باید بداند که یک صورت زبانی (Linguistic form) تا چه حد مناسب یک بافت اجتماعی مشخص است و اینکه نسبت به بسامد و کارکرد یک صورت زبانی مطلع باشد. با بسط زبانی، کاربرد صحیح یک صورت زبانی را در چارچوب قوانین اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی (Cultural values) منعکس می‌کند (هایمز، ۱۹۷۲). در این نظریه واحد بررسی زبان رویداد گفتاری (Speech event) است که یک تعامل اجتماعی و تعیین‌کننده قوانین و هنجارهای (Norm) حاکم بر ارتباط زبانی است و ریشه در عوامل اجتماعی و فرهنگی دارد. از دیدگاه هایمز واحد زبانی در هر رویداد، کنش زبانی (Linguistic performance) است که نحوه اجرای آن در رویداد گفتاری مشخص می‌گردد. به عقیده وی دو نوع قاعده حاکم بر رویداد گفتاری وجود دارد: قواعد دستوری (Usage) و قواعد کاربردی (Use) (ستوده، ۱۳۸۸، ص ۹۹).

کاربردشناسی مربوط به علایق، مقاصد، نگرش‌ها و اعتقادات گوینده و مراتب درک سخنگو از جمله و دانش او از نحوه استفاده از زبان برای تبادل اطلاعات با تأکید بر بافت موقعیتی است. در بسیاری موارد کاربردشناختی و منظورشناختی مطالعه معنای غیرزبانی و ضمنی، غیرقابل رؤیت می‌باشد. کشف این معنا مربوط به اطلاعات مشترک، پیش‌فرض‌ها و انتظاراتی است که در ذهن گوینده و شنونده موجود است. زبان ماهیتی تعاملی و دوجانبه دارد؛ به این معنا که طبق قراردادهای اجتماعی میان افراد است و ارتباط زمانی میسر می‌شود که دو گویشور در کلام و گفتار به نظام واحدی از علایم ارتباطی آگاهی داشته باشند. قرآن کریم گواهی دقیقی از این ماهیت و ساختار زبان است و به اعتقاد آستین (۱۹۶۲) کنش‌های گفتار را می‌توان به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد. منظور از کنش مستقیم وجود رابطه یک به یک بین ساختارهای نحوی و نقش ارتباطی و کاربردی آن است و منظور از کنش غیرمستقیم، عدم رابطه یک به یک بین ساختارهای نحوی و نقش ارتباطی جمله است (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۸).

در مرحله کشف معنا، معرفت زمینه‌ای و پیش‌فرض‌های تحلیلیگر و مفسر متن، نقش

مهمی خواهد داشت (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹). توانایی مفسر در اینکه به‌طور خودکار به تفسیر مطالب پنهان ناگفته در متن دست یابد، بر پایه ساختارهای معرفتی از پیش موجود در خواننده مبتنی است. این ساختارها مانند الگوهایی عمل می‌کنند که در تجارب قبلی ایجاد شده و در تفسیر تجربه‌های جدید به کار گرفته می‌شوند. خواننده برای فهم متن، از یک دائرةالمعارف ذهنی استفاده می‌کند. در معناشناسی دائرةالمعارفی خواننده متناسب با هر مورد، با استفاده از اطلاعاتی که در ذهن دارد، معناشناسی‌اش را سامان می‌دهد. نشانه‌شناسان می‌گویند: دائرةالمعارف در ذهن خواننده به صورت یخ‌زده موجود است و خواننده به تناسب، بخش‌هایی از آن را از حالت انجماد خارج می‌سازد (همان، ص ۲۶-۳۱).

به لحاظ کاربردشناختی هر دو عنصر به نویسنده یا گوینده اجازه می‌دهند تا اطلاعات جدیدی را به متن بیفزاید یا بافتی را بسازد که حاوی اطلاعات مشترک بین نویسنده و خواننده یا گوینده و شنونده باشد (مییر، ۱۹۹۱). هم مبدل‌منه و هم بدل در متون نوشتاری با ویرگول و در ارتباط گفتاری به شکل مکث (Pause) از هم متمایز می‌گردند. شناختن قواعد هر زبانی و آشناسدن با ساختار آن از اهمیت خاصی برخوردار است. تشخیص نمونه‌های دستوری، آوایی و معنایی مورد مطالعه در آثار ادبی نثر و نظم بسیار ضروری است. اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن شخص، حیوان، شیء، عمل، مکان، رخداد یا پدیده انتزاعی به کار می‌رود. بدل و مبدل‌منه به یک چیز یا شخص واحد اشاره دارند و قبل از بدل کسره نمی‌آید؛ زیرا بلافاصله بعد از فعل نمی‌آید و می‌تواند هسته گروه اسمی باشد. بدل نوعی آرایه ادبی است و ساختاری دستوری است که در آن دو عنصر، معمولاً عبارات اسمی در مجاورت هم می‌آیند که اولی نقش و وظیفه تشخیص‌دهی را بر عهده دارد؛ درست مثل جمله‌واره وصفی، بدل درباره اسم اطلاعاتی می‌دهد و در واقع نوعی جمله‌واره وصفی ساده و کوتاه شده است. بعضی اوقات به منظور تأکید در انتهای جمله می‌آید یا در برخی مواقع تکرار اسم است که بدل خواننده می‌شود که برای وضوح بیشتر کلام انجام می‌شود. بدل هم می‌تواند هم ضمیر باشد هم تابع ضمیر

که بر سه قسم است:

۱. مبدل منه ضمیر و بدل اسم ظاهر؛

۲. مبدل منه ضمیر و بدل ضمیر؛

۳. اسم ظاهر و بدل ضمیر (خانلری، ۱۳۶۳، ص ۹۳).

هدف این تحقیق پاسخ به این پرسش است که آیا بسامد وقوع بدل از لحاظ ساختاری، معنایی و کاربردشناختی در آیات قرآن یکسان است و در صورت وجود تفاوت برجسته، چه عاملی تأثیرگذار است؟

الف) ویژگی‌های بدل در قرآن از لحاظ ساختاری، معنایی و کاربردشناختی

بدل در زبان عربی تابعی است که مقصود بی‌واسطه دارد (فرشیدورد، ۱۳۸۲ الف). در نحو عربی عطف بیان خاص اسم است؛ ولی بدل اقسام دیگر کلمه و سخن (فعل و جمله) را نیز شامل می‌شود. عطف بیان در عربی از لحاظ اعراب، تعریف، تنکیر، جنس و معنا شبیه صفت و نعت است، با این تفاوت که صفت مشتق است و عطف بیان جامد است. از نظر معنایی عطف بیان نظیر صفت است؛ زیرا هر دو برای روشنگری به کار می‌روند؛ درحالی که شاخص جزء وابسته‌های اسم است. فرشیدورد شاخص را شبه‌بدل پیشین نامیده است که به نظر می‌رسد تناسبی با بدل داشته باشد؛ بنابر این بدل عبارتی اسمی است که می‌تواند شکل و صورت ساختاری متفاوتی داشته باشد، ولی اغلب با عبارت اسمی است؛ به دلیل اینکه بدل به لحاظ نحوی ساختار سنگینی محسوب می‌شود و پرکاربردترین نقش آن مفعول صریح یا مفعول حرف اضافه است. با توجه به ساختار دستوری، بدل و مبدل منه همپایه‌اند؛ مثلاً در آیه ۲۵۵ سوره کریمه بقره (... هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ...) ساختار «الْحَيُّ الْقَيُّومُ» از لحاظ ساختاری با «هُوَ» همپایه شده است و از نظر معنایی صفت خداوند متعال و از ویژگی‌های اوست؛ زیرا هر دو صفت از لحاظ ساختاری واژه «هُوَ» موصوف را توصیف می‌کنند.

بدل از لحاظ معنایی در قرآن کریم نقش هم‌معنا یا مترادف را ایفا می‌کند. بدل اصطلاحی است که متشکل از زنجیره‌ای از عناصر دستوری است که می‌توانند با یکدیگر

هم مرجع باشند و دارای نقش دستوری مشابهی هستند (کریستال، ۱۹۹۱، ص ۳۰). وی بدل را چنین تبیین می‌کند: اصطلاحی است سنتی که در برخی توصیفات دستوری امروز هم حفظ شده است. این اصطلاح به زنجیره‌ای از عناصر اطلاق می‌شود که سازه‌های دستوری همسطح می‌باشند. این سازه‌ها دارای مرجع‌هایی بسیار مشابه یا اصولاً هم‌مرجع‌اند. حسن (۱۳۸۳) بر ضرورت تبعیت بدل از مبدل‌منه در نوع اعراب، تأکید دارد؛ مانند: ... وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَمًا (۶۸) يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... و هر کس چنین کند مجازاتش را خواهد دید. چنین کسی عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد (فرقان: ۶۹-۶۸). در این آیه شریفه بدل (يُضَاعَفُ) در اعراب از مبدل‌منه (يَلْقَى) تبعیت کرده و مجزوم شده است.

از نظر حسن بدل از جمله توابع بوده که به این جهت در اموری از متبوع (مبدل‌منه) خود تبعیت می‌کند. تبعیت بدل از مبدل‌منه در مفرد، مثنی یا جمع بودن در بدل کل از کل در صورتی که مانعی در تثنیه یا جمع نباشد، ضروری بوده، در سایر انواع بدل الزامی نیست؛ نظیر «و تو مسلماً به سوی راه مستقیم هدایت می‌کنی، راه خداوندی که تمام آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست».

صافی (۱۴۱۱ق) بر این باور است که در این آیه شریفه (صِرَاطِ اللَّهِ و صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ) به ترتیب بدل معرفه و مبدل‌منه نکره واقع شده‌اند؛ از این رو بدل از مبدل‌منه در زمینه نکره یا معرفه بودن تبعیت نکرده است.

به باور مشکوة‌الدینی (۱۳۷۰) وابسته‌های پسین صفتی دارای ساخت گروه اسمی اسم + کسره اضافه + قید + صفت مثل عبارت «شمای دانشجو» هستند. اگرچه نمونه متعارف صفت و بدل یک واژه است، ولی می‌تواند در قالب بند، گروه و جمله نمایان شود؛ درست همان‌گونه که یک جمله معترضه عمل می‌کند. می‌توان چنین گفت که بین این مفاهیم در درون شبکه معنایی زبان، پیوند معنایی نزدیکی استوار است. جملات معترضه جمله‌ای است که مفهومی چون دعا و نفرین را می‌رساند و زیرمجموعه گروه متممی است که علی‌رغم عدم پیوند نحوی، توضیحی درباره بخشی از جمله اصلی می‌دهد و ممکن است

به صورت یک صفت، بند یا فعل خود را نمایان کند که حذفش معنای جمله را با خللی مواجه نمی‌سازد. همچنین در طبقه‌بندی ساختاری، بدل حرف اضافه‌ای عبارت است از بدلی که نقش اضافی آن به واسطه حرف اضافه «ی» در فارسی خود را نشان می‌دهد. می‌توان دو نقش دستوری مالکیت را به طور پی در پی داشت، مثل «خواهر خودم».

تشابه و تفاوت بین بدل به عنوان یک رابطه و نه مقوله به لحاظ روابط نحوی مشابه جملات همپایه است که جمله پیرو را شرح می‌دهد. از نظر وی بدل‌ها می‌توانند با یکدیگر هم‌مرجع باشند. نمی‌توان بین آنها به عنوان معرف هسته و وابسته ارتباطی قایل شد؛ ولی به لحاظ نحوی با هم برابر هستند. دو واژه همپایه که دومین کلمه توضیح، توصیف، وضوح و شناسایی اولین به شمار می‌رود و می‌تواند دربرگیرنده اطلاعات ضروری یا اضافی باشد. در صورتی که اطلاعات ضروری باشد، استفاده از ویرگول صحیح نیست. درواقع این ساختار نحوی برای نامگذاری مجدد اسم یا عبارت اسمی است. بعضی اوقات کلمات ربطی یکسانی را به کار می‌برند. کلمات ربطی «و»، «یا» و «ولی» (معادل and, but, or) معمولاً به عنوان بخشی از نشانگر بدل در جمله نمایان می‌شوند (کویرک و همکاران، 1985). کویرک و همکاران بر این باورند که مبدل‌منه و بدل معمولاً دو گروه اسمی مجاور هستند که به صورت سلسله‌مراتبی کنار هم آمده‌اند. یکی هسته گروه اسمی است و دیگری توصیف و مشخصه دیگری است.

نقش کاربردشناختی بدل در قرآن کریم با اهداف و نیاتی که در آیات الهی مستتر است، نمایش داده شده است. بدل در آیات الهی افزون بر نقش ساختاری و معنایی می‌تواند دارای نقش کاربردشناختی باشد؛ مانند آیه ۱ سوره شریفه همزه: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ» که در اینجا کلمه «هُمَزَةٌ» به معنای کسانی است که بدون جهت بسیار به دیگران طعنه می‌زنند و عیب‌جویی و خرده‌گیری می‌کنند و خصوصاً فقرا را مورد تمسخر قرار می‌دهند. نقش کاربردشناختی این آیه تهدید این‌گونه افراد به عذاب الهی است. درواقع «هُمَزَةٌ لُّمَزَةٌ» کنایه و بدل افراد مال‌اندوزی است که به دوزخ تهدید می‌گردند.

با توجه به مطالعات پیشین درباره بدل، بیشترین توجه به بدل اسمی بوده است که

هم مبدل‌منه و هم بدل اسم هستند. شواهدی نشان می‌دهد ساختار بدل می‌تواند همه طبقات نحوی را مانند گروه اسمی، گروه وصفی، گروه حرف اضافه، گروه فعلی و گروه متممی را شامل شود (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۷۰).

مشکوٰۃ‌الدینی (۱۳۷۰) بدل را وابسته اسم می‌داند که ممکن است ساختی مثل ضمیر+ بدل یا ضمیر+ جمله وابسته باشد. معیارهایی برای تشخیص جمله پایه از پیرو معرفی می‌کند که در تشخیص جملات معترضه کاربرد دارند و نوعی جمله پیرو متممی است. وی این‌گونه جملات را مرکب ناهمپایه می‌خواند که در برخی موارد درون‌سازه نحوی جمله دیگر قرار دارند و با نام جمله درونه‌ای یا وابسته معروف‌اند. از نظر وی جمله وابسته ممکن است در روساخت به صورت وابسته‌صفتی، وابسته‌اسمی یا وابسته‌متمم اسم ظاهر شود.

با توجه به انواع بدل در قرآن کریم و نمونه‌های که از آنها ذکر گردید، هدف این تحقیق بررسی ساختار نحوی و معنایی بدل به همراه نقش آنها به عنوان آرایه‌های ادبی در قرآن کریم می‌باشد. مشخصه‌های صوری، نحوی، معنایی و کاربردشناختی است که در گزیده‌ای از آیات مبارک قرآن بررسی می‌گردد.

در آیات مبارکه قرآن کریم نقش صورت نحوی، ساختار معنایی و کاربردشناختی بدل برجسته است. این تحقیق با هدف آزمون این فرضیه است که بسامد وقوع صورت و نقش نحوی، معنایی و کاربردشناختی در آیات قرآن با یکدیگر متفاوت است.

این تحقیق به روش توصیفی انجام شده و داده‌های مربوطه از منابع دست اول (قرآن کریم) جمع‌آوری شده است. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل آماری از مدل‌های نظری بدل کویرک و همکاران (۱۹۸۵) و مییر (۱۹۹۱) و برای تحلیل نمونه‌های نوشتاری آیات قرآن کریم از نه طبقه‌بندی فرشیدورد (۱۹۸۲ الف) از گونه‌های مختلف بدل به همراه شش طبقه‌بندی جدید محققان با توجه به مطالعات و پیشینه تحقیق حاضر پیروی شده است تا صورت و نقش نحوی، معنایی و کاربردشناختی بدل در آیات قرآن بررسی گردد.

ب) تحلیل بدل از لحاظ ساختاری، معنایی و کاربردشناختی در آیات قرآن

در بخش زیر به تعدادی از آیات قرآن کریم و نوع بدل استفاده شده در ساختار نحوی، معنایی و کاربردشناختی آن می‌پردازیم:

۱. «... وَ لَآ الَّذِیْنَ یَمُوتُونَ وَ هُمْ کُفَّارٌ...: ونه برای کسانی که کافر می‌میرند» (النساء: ۱۸).
«الَّذِیْنَ» ضمیر مبهم و مبدل منه و «کُفَّارٌ» اسم عام و بدل این آیه است. این آیه از نظر معنایی اشاره به عدالت الهی در روز قیامت دارد که شامل کافران نمی‌شود. از منظر کاربردشناختی برای بندگان جنبه ترغیبی دارد که راه کفار پیش نگیرند.

۲. «یُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِی السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِ: آنچه در آسمان‌ها و زمین است، خدا را تسبیح می‌کند» (النور: ۲۴). در این آیه «لَهُ» ضمیر و مبدل منه و جمله «یُسَبِّحُ مَنْ فِی السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِ» در نقش بدل معنوی آمده است. معنای جمله نشان از این می‌دهد که اساس آفرینش جهان و بالأخص انسان دعوت همه انبیای الهی، توحیدمحوری، معاد، ارزش‌های والای انسانی و عبادت خدا بوده است. نوعی کارگفت ترغیبی و کنش پند و اندرز در آن به کار رفته است تا با نصیحت خداوند و ذات یکتا، بندگان به پرستش خدای یگانه روی بیاورند و این آیه جنبه کاربردی و موقعیتی این پاره‌گفتار را در آیه نشان می‌دهد.

۳. «... أَنَّهُ لَآ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...: الله است که خدایی جز او نیست» (محمد: ۱۹). الله اسم خاص و خدا بدل معنوی آن است. در واقع جمله موصولی است که به این کلمه اشاره مستقیم دارد. از منظر معنایی نشان می‌دهد که خداوند برای توجیه کردن انسان توحید و شرک، حق و باطل و ایمان و کفر، هدایت، ضلالت و گمراهی را در مقابل هم قرار داده تا بفهمد که تنها یک ذات یکتا وجود دارد. جنبه کاربردشناختی این آیه حاکی از آن است که خداوند هدف خود را از نزول آن توحید و پرستش ایزد پاکش می‌داند. در واقع نوعی کارگفت اظهاری است که زیرمجموعه کنش اعتقادداشتن را در بر دارد.

۴. «وَهُوَ الَّذِیْ أُنزِلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءٌ...: و اوست که از آسمان آب را می‌فرستد» (انعام: ۹۹). در این جمله «هُوَ» ضمیر و مبدل منه و «أُنزِلَ مِنَ السَّمَاءِ» بدل معنوی جمله محسوب می‌شود. معنای جمله نشان می‌دهد که خداوند متعال در این آیه اشاره به آسمان با

پیوستگی، قدرت و نظم آن دارد و اینکه آب نشانه آبادانی و حیات است. باد و هوا یکی از عوامل مهم تلقیح گیاهان به شمار می‌آید. در این آیه خداوند بندگان را به سپاس و قدردانی به خاطر نعمات بی‌کران و من جمله نزول باران دعوت می‌کند. در واقع با کارگفت عاطفی و کنش قدردانی روبه‌رو هستیم.

۵. «إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى: [ای موسی] بی‌تردید قیامت که من زمان آن را پنهان می‌دارم، خواهد آمد تا هر کس در برابر سعی و تلاش خود پاداش گیرد» (طه: ۱۵). کلمه «السَّاعَةَ» به معنای قیامت، اسم خاص و بدل معنوی جمله به حساب می‌آید. به لحاظ ساختار معنایی آیه بازگوکننده اهمیت روز قیامت و نتیجه خوبی و سعی و کوشش خود را دیدن است. بافت موقعیتی و کاربردی این آیه در بردارنده کارگفت تعهدی و کنش وعده و وعید است.

۶. «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ: و آنان که کافرنند، در راه طاغوت می‌جنگند (النساء: ۷۶). «وَالَّذِينَ» ضمیر و مبدل منه و «كَفَرُوا» بدل معنوی آن است. معنای آیه این چنین است که پروردگار به مؤمنان می‌فرماید که دشمنان خداوند هرچند مجهز و نیرومند باشند، از رویارویی با او ناتوان‌اند. به لحاظ کاربردشناختی، این آیه کارگفت تعهدی و کنش کلامی امتناع‌کردن را در خود دارد که خداوند به خاطر کفر و شرک طاغوت همواره از آنها روی‌گردان است؛ چون در راه طاغوت می‌جنگند.

۷. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ: اوست که در میان امیان رسولی از خود آنان مبعوث کرد» (الجمعه: ۲). کلمه «الأميين» در این ساختار جمله اسم عام و مبدل منه و کلمه «منهم» ضمیر و بدل در نظر گرفته می‌شود. ساختار معنایی آیه منعکس‌کننده این واقعیت است که ایزد متعال پیامبر را به خاطر عادل بودن، امین بودن و به منظور عمل به عهد الهی برگزید. نوعی کارگفت اظهاری و کنش بیان و اظهار است از آنچه خداوند به عنوان نعمت و خصوصاً فرستادن پیامبر از بین مردمان برای خود آنها فرستاده است.

۸. «أَنَّمَا وَكَيْكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا: ولی شما تنها خدا و رسول او و کسانی که ایمان آورده‌اند (المائدة: ۵۵). واژه «ولی» اسم عام و مبدل منه جمله و «رَسُولٌ» اسم خاص -

در صورتی که فقط به شخص پیامبر اشاره داشته باشد- و بدل می‌باشد. البته می‌توان جمله مستقل «وَالَّذِينَ آمَنُوا» را بدل معنوی نیز در نظر گرفت. معنای جمله اشاره به اصول توحید و امامت دارد و خداوند اشاره به کارگفت ترغیبی و کنش هشدار و آگاه‌بودن در برابر این حقیقت آشکار دارد.

۹. «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»: که همانا ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم» (البقره: ۱۵۶). «إِنَّا» ضمیر مبهم و مبدل و عبارت و «إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بدل معنوی جمله مورد نظر می‌تواند باشد. معنایی که از آیه ۱۵۶ بقره بر می‌آید، به موضوع حیات و مرگ انسان اشاره می‌کند و حاکی از آن است که خداوند قدرت مطلق بوده و همه چیز در دست خود اوست. هدف خداوند یکتا از به‌کارگیری کارگفت تعهدی و کنش گفتاری قول و وعده و وعید، اشاره به آمدن روز رستاخیز و حتمی‌بودن روز قیامت دارد.

۱۰. «وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ»: و کافران آنان همان ظالمانند» (البقره: ۲۵۴). در این جمله، کلمات «الْكَافِرُونَ» و «الظَّالِمُونَ» به‌ترتیب در نقش مبدل‌منه و بدل آمده‌اند که هر دو اسم عام‌اند. معنای جمله حکایت از آن دارد که ایزد منان بعد از پند و نصیحت کافران برای نزدیک‌شدن روز حساب و ناگزیری آنها از عذاب حق هشدار می‌دهد و می‌فرماید که آنها خود از دسته ظالمانند؛ چون پذیرای دین حق نیستند. از منظر کاربردشناختی، به بندگان مؤمن می‌گوید که افراد ظالم کافر بوده و از رحمت او به دورند و این پیام را با به‌کاربردن کارکرد ترغیبی و هشدار به آنان می‌دهد.

۱۱. فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ: پس با اولیای شیطان بجنگید» (النساء: ۷۶). واژگان «أَوْلِيَاءَ» اسم عام و مبدل‌منه و «الشَّيْطَانِ» اسم عام و بدل می‌باشند. خداوند شیطان را راه رفتن به سمت طاغوت می‌داند. در این آیه خداوند با کنش کلامی ترغیبی و امرکردن از بندگان می‌خواهد تا برای احقاق حق با شیطان مبارزه کنند.

۱۲. أَنِّي لَأُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى: من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، مرد باشد یا زن، ضایع نمی‌کنم» (آل عمران: ۱۹۵). «كُم» ضمیر و مبدل جمله و «ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى» هر دو اسم عام و بدل آن است. واژه «كُم» ضمیر و مبدل و «ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى» اسم

عام و گروه اسمی همپایه و بدل جمله هستند. خداوند با بیان این آیه به انسان متذکر می‌شود که برای رسیدن به آفرینش برای او از جنس مخالف همدمی قرار داده است. معنای جمله دربرگیرنده این واقعیت است که عمل هر بنده‌ای به خود او بر می‌گردد و مزد آن را بی‌کم و کاست می‌گیرد. خداوند با کارگفت تعهدی و وعده و وعید به بندگان قول می‌دهد که در حق هیچ بنده، زن یا مردی، ظلم نمی‌کند و با انصاف حق او را تمام و کمال می‌دهد.

۱۳. «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ: و از آیات او آفرینش آسمان و زمین است» (الشوری: ۲۹). در این جمله «آیات» اسم عام و مبدل و آسمان و زمین گروه اسمی همپایه‌اند. منظور خداوند این است که آسمان، ستارگان و سیارگان را برای انسان‌های خلق‌شده و حفظ حیات آنها به وجود آورد و به منظور اینکه از آن آب را به واسطه ابر تولید کند و زمین را آفرید تا انسان بر روی آن استقرار یابد و کشت و زرع نماید. این آیه به این دلیل نازل شده است که با کنش اظهاری، اعتقاد و توکل به خدا را در مردم شکوفا کند تا فقط او را بپرستند و از عبادت بت‌ها دست بردارند.

۱۴. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أُمَّلًا: مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات [= ارزش‌های پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است» (الکهف: ۴۶). کلمات «الْمَالُ وَالْبَنُونَ» گروه اسمی همپایه و «زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» گروه اسمی عام است که در نقش بدل نشسته است. همان‌طور که از معنای آیه بر می‌آید، ثروت و فرزند زینت حیات مادی است و ارزش کارهای نیک و شایسته به صورت مداوم بسیار بالاتر است. خداوند رحیم و رحمان با کارگفت ترغیبی و امر و دستور از بندگان می‌خواهد که در کنار نعمات دنیوی به ارتقای ارزش‌های معنوی خود نیز همت بگمارند.

۱۵. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَا خَلَقْتُكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى: ای مردم همانا ما شما را از نر و ماده آفریدیم» (الحجرات: ۱۳). واژه «النَّاسُ» اسم عام و مبدل و «ذَكَرٍ وَأُنْثَى» گروه اسمی همپایه و بدل جمله هستند. خداوند می‌فرماید در خلقت زن و مرد نیز عدالت را رعایت کردیم

تا در کنار هم به آرامش برسند. با کارگفت ترغیبی و اخطار و هشدار می‌خواهد بندگان را به فهم و درک عظمت خداوند رهنمون سازد که غیر از او و ذات پاکش کسی یا چیزی را نپرستند.

۱۶. «... مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ...: ... خدا خواسته است، قوت [و نیرویی] جز از سوی خدا نیست...» (الکهف: ۳۹). در این آیه نیز اسم انتزاعی «قُوَّة» مبدل‌منه و مسندالیه و «إِلَّا بِاللَّهِ» بدل و مسند آن است. به لحاظ کاربردی و موقعیتی، با استفاده از کنش و کارگفت ترغیبی نوعی هشدار و اخطار به بندگان داده می‌شود تا به توانایی، قدرت و عظمت او پی ببرند.

۱۷. «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ: آن روز مردم پراکنده بیرون می‌آیند تا اعمالشان به آنان نشان داده شود» (الزلزله: ۶). «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا» جمله اول در نقش مبدل‌منه و جمله دوم (لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ) جمله‌ای است که در نقش بدل آمده است. از منظر معنایی، خداوند در این آیه اشاره به روز قیامت دارد و روز جزا را برای آنان به تصویر می‌کشد و اینکه تعهد می‌کند این روز واقعی است و حتماً به وقوع خواهد پیوست تا هر کس نتیجه اعمال خود را کاملاً دریافت کند.

۱۸. «وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ: آنان را از روز حسرت [= روز رستاخیز که برای همه مایه تأسف است] بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می‌یابد و آنها در غفلت‌اند و ایمان نمی‌آورند» (مریم: ۳۹). «يَوْمَ الْحَسْرَةِ» گروه اسمی است که به‌نوعی به اسم خاص اشاره دارد، یعنی روز قیامت و مبدل‌منه و جملات «إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ» ضمناً به همراه «وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» هر سه بدل آن به شمار می‌روند. به لحاظ معنایی، واژگان جمله به‌طورمستقیم به روز قیامت اشاره دارند که همه چیز برای کافران به اتمام می‌رسد و راه فراری ندارند. خداوند از پیامبر می‌خواهد با پیام و پاره‌گفتاری رسا، کارگفت هشدار و اخطار دستورات او را به غافلان و کافران منتقل نماید و آنها را از روز جزا بترساند که ممکن است هرچه زودتر فرا برسد.

۱۹. «جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ: و آنان را داخل بهشت‌هایی می‌کنیم که از زیر

آنها نهرها جاری است» (الحج: ۱۴). اسم خاص «جَنَاتٍ» مبدل منه و «مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» جمله‌ای است که در نقش بدل آمده‌اند. ساختار معنایی این جمله به شکلی صریح است که بندگان مؤمن را به بهشت‌هایی برین وعده می‌دهد که در زیر آنها نهرهایی جاری است. کارگفتی تعهدی و کنشی مبنی بر وعده و عمل به تعهد او برای بندگان پاک و شایسته است.

۱. تجزیه و تحلیل بسامد بدل از لحاظ ساختاری

در این پژوهش از مدل‌های نظری بدل کویرک و همکاران (۱۹۸۵) و مییر (۱۹۹۱) به منظور تحلیل داده‌های آماری پیروی شده است. هر کدام از زیرمجموعه‌های بدل با بهره‌گیری از تحلیل آماری بدل از لحاظ بسامد ساختاری مورد بررسی قرار گرفته است. جدول ۱ فراوانی انواع مختلف ساختاری بدل را در پیکره تحقیق نشان می‌دهد.

جدول ۱: بسامد ساختاری بدل در آیات قرآن کریم (اقتباس از رویکرد کویرک و

همکاران، ۱۹۸۵)

صورت	گروه اسمی + گروه اسمی	گروه اسمی + حرف اضافه	گروه اسمی + قید	جمله وارده متممی + جمله وارده متممی	اسم + اسم	گروه اسمی + جمله وارده متممی	جمله وارده تسمی	گروه اسمی + جمله وارده تسمی	حرف اضافه + گروه حرف اضافه	تعداد	درصد
	۱۶۲	۱	۱	۳	۲	۱	۲	۱	۱	۱۶۲	۹۵
		۰/۶	۰/۶	۰/۶	۰/۸	۰/۶	۰/۸	۰/۶	۰/۶		۰/۶

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، مقوله گروه اسمی + گروه اسمی با تعداد ۱۶۲ (۹۵٪) پربسامدترین و گروه اسمی + گروه حرف اضافه، جمله وارده متممی + گروه اسمی، قید + گروه حرف اضافه و گروه حرف اضافه + گروه اسمی با بسامد ۱ کمترین بوده‌اند. در واقع بدل‌های اسمی نوع بی‌نشان هستند؛ چون در مقایسه با دیگر صور نحوی کاربرد بیشتری دارند. اگر اولین واحد ضمیر باشد، دومین واحد نمی‌تواند در مجاورت آن بیاید. در واقع در صورتی که ساختار اسمی باشد، حرف اضافه می‌تواند در

نقش نشانگر بدل به کار می‌رود که تحت تأثیر محدودیت‌های معنایی و کاربردشناختی است. برای آنکه بتوان هم‌مرجع بودن آنها را تشخیص داد، دو آزمون مورد نیاز است:

۱. آنها را نمی‌توان به واسطه حرف ربط همپایه به هم متصل کرد؛
۲. با نشانگرهای بدل به هم متصل می‌گردند. در آیات قرآن، بدل در اکثر موارد در جایگاه گروه اسمی جمله‌واره متممی قرار می‌گیرد. در موارد اندک گروه حرف اضافه جایگاه بعد از گروه اسمی، قید یا گروه حرف اضافه بعد از خود را اشغال می‌کند.

۲. نقش معنایی بدل در آیات قرآن کریم

نقش ساختاری بدل در تفسیر آیات قرآن کریم اشاره به عملکرد نقش بدل در جمله دارد. گروه اسمی می‌تواند نقش فاعل، مفعول مستقیم و غیرمستقیم باشد که به معنای تأکید بر کننده کار دارد. این فاعل بودن گاهی مستقیم (الله) و گاه غیرمستقیم (هو) و به صورت بدل به کار رفته است. متمم می‌تواند نقش فاعلی یا حرف اضافه داشته باشد. قید می‌تواند نقش ادات الحاقی مکانی یا زمانی داشته باشد. بدل می‌تواند نقش نشانه مالکیت یا معرف پیشین را برای اسم ایفا کند. در این پژوهش با پیروی از مدل طبقه معنایی میسر (۱۹۹۱) به تجزیه و تحلیل نمونه‌هایی از بدل و بسامد نقش آنها در آیات مبارکه قرآن کریم در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: بسامد نقش ساختاری بدل (اقتباس از رویکرد کویرک و همکاران، ۱۹۸۵)

نقش	فاعل	مفعول مستقیم	غیر مستقیم مفعول	تتمم فاعلی	زمانی ادات الحاقی	مکانی ادات الحاقی	حرف اضافه متمم	نشانه مالکیت	معرف پیشین
تعداد	۶۹	۲	۳	۲	۲۰	۵۰	۳۰	۱	۱

۰/۶	۰/۹	۱۷/۴	۳۳/۲	۱۴/۱	۱/۳	۱/۹	۱/۳	۳۹/۲	۳/۳
-----	-----	------	------	------	-----	-----	-----	------	-----

در جدول ۲ نقش نحوی فاعل و ادات الحاقی مکان در ساختار بدل آیات قرآنی با تعداد ۶۹ و ۵۰ به ترتیب بالاترین فراوانی و نشانه مالکیت و معرف پیشین با تعداد ۱ کمترین فراوانی را داشته‌اند. فاعل می‌تواند وجودی یا غیرووجودی باشد. در واقع بین صورت و نقش نحوی ارتباط مستقیمی وجود دارد. فراوانی مقوله فاعل تقریباً ۳۵ برابر مقوله‌های مفعول مستقیم و غیرمستقیم، ادات الحاقی زمان و مکان و متمم فاعلی است. در آیات مبارکه قرآن، صورت نحوی اسم یا گروه اسمی در بسیاری موارد دارای نقش دستوری-فاعل یا ادات الحاقی مکان-است. با کاربرد ادات الحاقی مکان، حاکی از توجه زیاد خداوند به بهشت و جهنم است که در نتیجه پاداش یا تنبیه به انسان‌ها در قبال اعمالشان اعطا می‌گردد. فراوانی بالای نقش نحوی فاعل در ساختار بدل قرآن کریم، نشان از خودمختاربودن و عامل بودن انسان در انجام اعمال روزمره خود دارد. بعد از این دو مقوله، زیرمجموعه‌های متمم حرف اضافه و ادات الحاقی زمان با فراوانی ۳۰ و ۲۰ در جایگاه سوم و چهارم قرار دارند. استفاده از ادات الحاقی زمان نشان از وجود حتمی برزخ و قیامت و روز حسابرسی دارد که انسان را نسبت به عدم وابستگی به دنیا و امور دنیوی آگاه می‌سازد. کاربرد گروه اضافه بدل نشان‌دهنده نوعی تأکید بر توجه به امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی است.

۳. نقش کاربردشناختی بدل در آیات قرآن کریم

با پیروی از مدل مییر (۱۹۹۱) انواع بدل از لحاظ معنایی و توزیع فراوانی آنها تجزیه و تحلیل شده است. در این بخش تجزیه و تحلیل معنایی بدل (طبقات و روابط معنایی) و تأثیر آنها در تفسیر کاربردشناختی بدل می‌پردازیم. بسامد و درصد هر طبقه به صورت جداگانه بررسی در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳: نقش معنایی و کاربردشناختی بدل در آیات قرآن (اقتباس از رویکرد مییر،

ردیف	طبقه	تعداد	درصد
			(۱۹۹۱)

۱۳/۰۷	۲۳	معرفی	۱
۱	۳	توصیف + معرفی	۲
۱۳/۰۷	۲۳	توصیف	۳
۵/۶	۱۰	ذکر مثال + تشخیص	۴
۰/۶	۱	معرفی + توصیف	۵
۱۹/۴	۳۴	ذکر مثال	۶
۳/۰۶	۵	بازیابی محتوی معنایی	۷
۱۹/۸۱	۳۷	ذکر اسم خاص	۸
۶/۶	۱۰	جزئی سازی	۹
۱۷/۸	۳۰	تشخیص	۱۰

جدول ۳ نقش معنایی و کاربردشناختی بدل در آیات قرآن به لحاظ معنایی و کاربردشناختی را از لحاظ بسامد تحلیل کرده است. مقوله‌های ذکر اسم خاص و ذکر مثال پربسامدترین بودند که به ترتیب ۱۹/۸۱٪ و ۱۹/۴٪ را به خود اختصاص داده‌اند. مقوله‌های بررسی شده در روابط معنایی بدل و نقش آنها در کارکرد هر بدل در این تحقیق شامل تشخیص، ذکر مثال، ذکر مثال + تشخیص، ذکر اسم خاص، توصیف، توصیف + معرفی، بازیابی محتوی معنایی، معرفی + توصیف بوده‌اند. بسامد بالای ذکر اسم خاص و ذکر مثال شاید مؤید این امر باشد که بدل در قرآن کریم منظوری روشن‌کننده و تبیین‌کننده دارد. در جاهای مختلف در قرآن این تبیین‌کنندگی آیات بارها ذکر شده است. در مقوله تشخیص، عنصر اول مشخص‌کننده عنصر دوم است و عدم حضور آن می‌تواند در جمله ابهام ایجاد کند. در مقوله ذکر اسم خاص، عنصر بدل نام واحد دومی را تعیین می‌کند که این اسم خاص است تا اینکه عام باشد. در ذکر مثال، دومین واحد مثالی از عنصر اول است و با حضور آن در جمله وضوح کلام را بیشتر می‌کند. در توصیف بدل با حضور خود توصیفی را درباره مبدل‌منه می‌دهد. برخی ویژگی‌های واحد بدل با مبدل‌منه برابر است. در مقوله جزئی‌سازی، دومین واحد بر بخشی از واحد اول و نه کل آن تأکید دارد و به آن اشاره خاص دارد. در زیرمجموعه بازیابی محتوای معنایی، بدل محتوای معنایی واحد پیش یا پس از خود را به خواننده منتقل می‌کند و می‌توان گفت که

منتقل‌کننده اطلاعات کاربردشناختی است. در بقیه موارد هر دو واحد معنایی و کاربردشناختی به صورت تلفیقی عمل می‌کنند. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقوله‌های ذکر اسم خاص، ذکر مثال و تشخیص به ترتیب با میزان ۳۷، ۳۴ و ۳۰ بالاترین فراوانی را داشته‌اند و مقوله‌های توصیف و معرفی هر دو با بسامد ۲۳ بعد از آنها قرار گرفته‌اند. مقوله‌های معرفی + توصیف و توصیف + معرفی با تعداد ۳ و ۱ کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

ساختار معنایی آیات متفاوت است؛ زیرا اهداف کاربردشناختی متفاوت دارند. درک معنای تطبیق یک پاره‌گفتار با موقعیتی است که درباره آن توضیح می‌دهد. این امر با یافته‌های باطنی (۱۳۵۵، ص ۱۵) توافق دارد که زبان آن‌چنان با موقعیت‌های اجتماعی که در آن به کار می‌رود، پیوند می‌خورد که به‌سختی می‌توان برای اکثر جمله‌های زبان به‌طور مطلق و فارغ از بافت اجتماعی و خصوصاً فارغ از رابطه گوینده و شنونده معنای تعیین کرد. این رابطه معنایی و کاربردی در بیان منظوری بدل در آیات قرآن کریم کاملاً مشاهده می‌گردد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش بعد از تحلیل نمونه‌هایی از آیات مبارکه با پیروی از مدل انواع بدل (۹ مقوله) فرشی‌دورد (۱۹۸۲ ب) همچنین ۶ طبقه‌بندی جدید محققان این پژوهش، صورهای نحوی و نقش‌های دستوری بدل طبق مدل کویرک و همکاران (۱۹۸۵) و نیز طبقات معنایی بدل ساده میبیر (۱۹۹۱) مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. در بررسی صورتهای نحوی بدل (کویرک و همکاران، ۱۹۸۵) در آیات مبارکه قرآن، مشخص شد که در طبقه‌بندی به‌دست‌آمده مقوله گروه اسمی + گروه اسمی (فاعلی) با بالاترین فراوانی (۱۶۲) و گروه اسمی + گروه حرف اضافه، جمله‌واره متممی + گروه اسمی، قید + گروه حرف اضافه و گروه حرف اضافه + گروه حرف اضافه با فراوانی ۱ کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. مقوله گروه اسمی + گروه اسمی (فاعلی) با بالاترین فراوانی نشان‌دهنده قهاریت و فاعل مطلق بودن خداوند در امور هستی است. علاوه بر آن، بدل‌های

با تواتر بالای معرفی، توصیف، ذکر مثال، ذکر اسم خاص نشان‌دهنده تأکید بر ارائه ساختارهای انسجام متنی در قرآن کریم است. در واقع بدل‌های اسمی از نوع نشاندار نیستند؛ چون در متن قرآن کاربرد بیشتری دارند. اگر اولین عنصر ضمیر باشد، دومین عنصر نمی‌تواند در مجاورت آن بیاید. زمانی که ساختار اسمی به کار برود، حرف اضافه می‌تواند در نقش نشان‌دهنده بدل باشد که تحت تأثیر محدودیت‌های معنایی و کاربردشناختی زبان قرآن است. آنها را نمی‌توان با حرف ربط همپایه به هم وصل کرد و ارتباط آنها با نشان‌دهنده‌های بدل است. در آیات قرآن، بدل در اکثر موارد در جایگاه گروه اسمی جمله‌واره متممی قرار می‌گیرد. در موارد اندک گروه حرف اضافه جایگاه بعد از گروه اسمی، قید یا گروه حرف اضافه بعد از خود را می‌گیرد.

از لحاظ نقش ساختاری، نقش ساختاری فاعل و ادات الحاقی مکان در ساختار بدل آیات قرآنی با تعداد ۶۹ و ۵۰ به ترتیب بالاترین فراوانی و نشانه مالکیت و معرف پیشین با تعداد ۱ کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. فاعل می‌تواند وجودی یا غیروجودی باشد. این نتیجه با یافته‌های سوفر (۱۹۷۱) مطابقت دارد که اذعان می‌دارد در واقع بین صورت و نقش نحوی ارتباط مستقیمی وجود دارد. فراوانی مقوله فاعل تقریباً چندین برابر مقوله‌های مفعول مستقیم و غیرمستقیم، ادات الحاقی زمان و مکان و متمم فاعلی است. در آیات مبارکه قرآن، صورت نحوی اسم یا گروه اسمی در بسیاری موارد دارای نقش دستوری فاعل یا ادات الحاقی مکان است. با کاربرد ادات الحاقی مکان، حاکی از توجه زیاد خداوند به بهشت و جهنم است که در نتیجه پاداش یا تنبیه به بندگان در برابر اعمالشان داده می‌شود. فراوانی بالای نقش نحوی فاعل در ساختار بدل قرآن کریم نشان از باراده‌بودن انسان در انجام افعالش می‌باشد. بعد از این دو مقوله، زیرمجموعه‌های متمم حرف اضافه و ادات الحاقی زمان با فراوانی ۳۰ و ۲۰ در جایگاه سوم و چهارم قرار گرفته‌اند. استفاده از ادات الحاقی زمان نشان از هشدار درباره برزخ و روز قیامت و حسابرسی دارد. کاربرد گروه اضافه بدل نشان‌دهنده نوعی تأکید بر توجه به امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی فرد و جامعه مدنی دارد. انسان

در بستر اجتماع پرورش می‌یابد. مجموعه تمام روابط اقتصادی، سیاسی، شغلی، عاطفی، روحی و فرهنگی بر انسان و تعاملات او با دیگران نقش برجسته‌ای دارد. افراد انسان با وجود کثرتی که دارند، انسان‌اند و انسان هم یک نوع واحد است؛ همچنین اعمال و افعال انسان‌ها با این که گسترده است، آنها نیز از نوع واحدند و میان آنها الفت برقرار است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). قرآن اثر وحی خداوند متعال است که سخنی هدفدار و معنادار با زبانی مخصوص به فرد برای هدایت و تربیت انسان‌ها نازل شده است و با نزول خود به زبان عربی غنا بخشید. این میراث بزرگ اسلام با آثار منظوم، کتب علمی و ادبی، روایات و ادعیه، به‌ویژه آثار زبان‌شناسی کلاسیک، عربی را به چنین محتوایی رساند. کتاب آسمانی بشر کتابی آهنگین و وزن‌دار است و استفاده از آن جنبه معنایی گسترده دارد که ساختاری ادبی و منحصر به فرد است.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده طبقات معنایی بدل، در مقوله تشخیص، عنصر اول مشخص‌کننده عنصر دوم است و عدم حضور آن می‌تواند در جمله سبب ابهام شود. در مقوله ذکر اسم خاص، عنصر بدل نام واحد دومی را مشخص می‌کند که نوعی اسم خاص است. در ذکر مثال دومین واحد مثالی درباره عنصر اول است و با حضور آن در جمله وضوح کلام را بیشتر می‌کند. در توصیف بدل با حضور خود توصیف و توضیحی را درباره مبدل منه می‌دهد. برخی ویژگی‌های واحد بدل با مبدل منه مشترک است. در مقوله جزئی‌سازی دومین واحد بر بخشی از واحد اول و نه کل آن تأکید و به آن اشاره خاص دارد. در زیرمجموعه بازیابی محتوی معنایی، بدل محتوای معنایی واحد پیش یا پس از خود را به خواننده انتقال می‌دهد و می‌توان گفت که نقش کاربردشناختی ایفا می‌کند. مقوله‌های ذکر اسم خاص، ذکر مثال و تشخیص به ترتیب با میزان ۳۷، ۳۴ و ۳۰ بالاترین فراوانی را داشته‌اند و مقوله‌های توصیف و معرفی هر دو با بسامد برابر (۲۳) بعد از آنها قرار گرفته‌اند. مقوله‌های معرفی + توصیف و معرفی + معرفت کمترین فراوانی ۱ را به خود اختصاص داده‌اند.

به لحاظ کاربردشناختی، مقوله‌های ذکر اسم خاص و ذکر مثال پربسامدترین (۱۹/۸۱٪)

و ۱۹/۴٪) بوده‌اند. تنها نقش غیراسمی بدل نقش قیدی آن است که در این پیکره ادات الحاقی زمان و مکان بررسی قرار گرفت. این‌گونه به نظر می‌رسد که ساختار بدل ویژگی‌های مشترکی با دیگر ساختار زبانی دارد. به لحاظ معنایی شبیه گزاره یا محمول هستند و در برخی موارد بدون فعل می‌باشد. یافته‌های این تحقیق همسو با یافته‌های مییر (۱۹۹۱) است که معتقد است به لحاظ کاربردشناختی، هر دو عنصر مبدل‌منه و بدل به نویسنده یا گوینده اجازه می‌دهد تا اطلاعات جدیدی را در متن وارد کند یا بافتی را بسازد که حاوی اطلاعات مشترک بین نویسنده و خواننده گوینده یا شنونده باشد. نظر مشکوٰة‌الدینی (۱۳۷۰، ص ۸۰) درباره جایگاه جمله‌های مرکب ناهمپایه درون‌گروه فعلی یا گروه اسمی در یکی از نقش‌های نحوی و جمله درونه یا جمله وابسته درون‌سازه‌های نحوی جمله‌ای دیگر کاملاً درست به نظر می‌رسد. یافته‌های این پژوهش همچنین نتایج تحقیقات فرشید-ورد (۱۳۸۲ب) را تأکید می‌کند که بدل را اسم یا گروه اسمی غیرمکرر و توأم با درنگی خاص دانسته که با اسم یا گروه اسمی دیگر دارای یک مرجع و یک نقش دستوری واحد را تشکیل می‌دهند و حذف آن خللی به ساختمان جمله وارد نمی‌کند و اغلب بدون واسطه حروف و ادوات به مبدل‌منه مربوط می‌شود.

هر سوره از قرآن را باید به عنوان متنی یکپارچه با بخش‌های متصل به هم با طول مختلف در نظر گرفت. برخی آیات مربوط به وحی، جن، ملائکه، آفرینش آسمان و زمین، توحید و شرک، حق و باطل، تمجید، ستایش و تجلیل از خداوند، شناخت عیوب نفسانی، تقویت روحیه توکل، دعا، عبادت و ارتباط معنوی با خداوند، حج عمره و تمتع، اظهار وابستگی و عجز در برابر قدرت پروردگار، خیر و شر، هدایت و ضلالت، جهان غیب و شهود، عواقب دنیوی و اخروی، خلقت بشر، تثبیت ایمان و تقوی در دل، اعتراف به گناه، حیات و مرگ، فسق، نفاق و اوصاف بهشت و جهنم آمده است. می‌توان گفت هدف خداوند متعال در ارائه وحی و دستورات الهی خود به بندگان، نوعی هشدار به آنها می‌باشد که به دلیل فراموشی وی و پرهیز از عبادت ایزد متان است که به تبع آن مشمول عذاب اخروی خواهند بود. نمونه‌های زیادی از آیات این‌چنین در قرآن یافت می‌شود که

درباره ۵ اصل دین صادق است. با نفخ صور اول مدهوش شدن هر آنچه در آسمانها و زمین است، اتفاق می‌افتد و در ساختار آسمانها و زمین دچار تغییراتی می‌شود. سپس نوبت حسابرسی به اعمال و افعال انسان در حیات دنیوی اوست که قبل از ورود او به بهشت یا جهنم صورت می‌گیرد. با دمیدن نفخ صور دوم زنده شدن مردگان، نورانی شدن زمین، برپاشدن دادگاه عدل الهی، حضور شاهدان و گواهان (پیامبران، فرشتگان الهی و اعضا و جوارح بدن انسان)، قضاوت بر مبنای حق و انصاف و دادن نامه اعمال خواهد بود.

نمونه‌های بدل در آیات قرآن کریم نقش‌های متفاوت دارند که در مثال‌های بالا ذکر شد. تنوع بدل در زبان عربی بیش از فارسی است و این امر به دلیل فصاحت و بلاغت زبان عربی است که در مثال‌های بالا ذکر شد. تنوع بدل‌ها می‌تواند تازگی و خلاقیت در ساختارسازی یا از نظر زبان‌شناسی زیایی را در قرآن کریم نشان دهد. شاید این امر به دلیل فصاحت و بلاغت زبان عربی است که مستقیماً اعراب زمان خود را مورد خطاب قرار می‌داد. این تحقیق به این نتیجه رسید که بالاترین بسامد مربوط به بدل‌های صور نحوی عبارات اسمی است و نقش نحوی فاعل (کننده کار) در آیات حاوی بدل بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. ممکن است دلیل این امر مربوط به روشنگری و برجستگی فاعل در انجام کار باشد؛ زیرا قرآن کریم در عین داشتن ساختارهای متقن از لحاظ نحوی، کلامی، معنایی و کاربردی به صورت ساده نگارش یافته است تا برای عموم قابل فهم باشد. طبقه‌بندی هدف اول این تحقیق است که انواع بدل را به لحاظ بسامد بررسی می‌کند. نتایج کاربردی آن از این نظر می‌تواند اهمیت بدل‌ها را از لحاظ تأکید و برجستگی نشان دهد. بسامد بدل‌ها در طبقه‌بندی ارائه شده می‌تواند در تفاسیر آیات قرآن کریم مؤثر باشد؛ زیرا بدل‌ها دارای بار معنایی و کاربردی هستند. نتیجه این پژوهش نشان داده است که ارتباط ساختاری و معنایی از هم تفکیک‌ناپذیرند و این ارتباط توسط همپایگی بین صورت و معنای بدل در ذهن خواننده ایجاد می‌گردد. نهایتاً این ارتباط منجر به درک منظوری و کاربردشناختی بدل در آیه شریفه می‌گردد. هر کدام از بدل‌ها

لحاظ نحوی با دقت بسیار بالای قادر متعال نگاشته شده است که در عین قابل فهم بودن از روابط ساختاری، معنایی و کاربردی بدل می‌تواند حتی خواننده امی را در زمان صدر اسلام و هنگام نزول وحی در عصر خود به منظور آیه رهنمون سازد. این تحقیق کار بسیار کوچکی است که عظمت خالق را در ایجاد اعجاز کلام وحی نشان می‌دهد. بررسی کنش‌های گفتاری در متون دینی و مذهبی مبحثی میان‌رشته‌ای از زبان‌شناسی کاربردی است و می‌تواند چشم‌اندازهای جدیدی را در مباحث معناشناختی قرآن و تفسیر هرمنوتیک آن فراهم آورد. با توجه به نبود آثار چندانی در این زمینه، مبانی نظری و روش‌شناسی تحلیل متون دینی اسلام بر اساس نظریه کنش گفتار و بالاخص توان منظوری، هنوز به‌طور صحیح شکل نگرفته است و جایگاه محکم خود را در پژوهش‌های زبان‌شناختی اسلامی حفظ نکرده است؛ لذا در خصوص کشف روابط ساختاری، معنایی و کاربردشناختی آیات الهی در انسجام متنی قرآن کریم و بیان منظورشناختی آیات شریفه نیاز به تحقیقات گسترده در حوزه زبان‌شناسی قرآن کریم و حتی ایجاد رشته‌ای دانشگاهی به نام زبان‌شناسی قرآن احساس می‌گردد.

۲۱۹

ذهن

بررسی نقش دستوری، معنایی و کاربردشناختی ساختار بدل در آیات قرآن...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. آقاگل زاده، فردوس؛ «توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی»، پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی (جستارهای زبانی)؛ دوره ۳، ش ۲، ۱۳۹۱، ص ۱-۲۶.
۲. باطنی، محمدرضا؛ مسائل زبان‌شناسی نوین؛ چ ۱، تهران: نشر آگاه، ۱۳۵۵.
۳. حسن، عباس؛ النحو الوافی؛ چ ۷، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۸۳.
۴. خانلری، پرویز؛ دستور زبان فارسی؛ چ ۵، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۳.
۵. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ سیری در تربیت اسلامی، چ ۴، تهران: دریا، ۱۳۸۷.
۶. ستوده، هدایت‌اله؛ روان‌شناسی اجتماعی؛ چ ۱۲، تهران: آوای نور، ۱۳۸۸.
۷. صافی، محمود بن عبدالرحیم؛ الجدول فی اعراب القرآن؛ چ ۱، بیروت: دارالرشید - مؤسسة الایمان، ۱۴۱۱ق.
۸. فرشیدورد، خسرو؛ جمله و تحول آن در فارسی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲الف.
۹. —؛ دستور مفصل امروز؛ چ ۱، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۲ب.
۱۰. قائمی‌نیا، علیرضا؛ بیولوژی نص: نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.
۱۱. مشکوة‌الدینی، مهدی؛ دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری؛ چ ۲، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۰.
۱۲. یارمحمدی، لطف‌الله؛ ارتباط از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی؛ تهران: هرمس، ۱۳۸۵.
13. Austin, J. L; **How to do things with words**; Oxford: Oxford, 1962.
14. Clarendon. Crystal, D.; **A dictionary of linguistics and phonetic**; Cambridge: Blackwell, 1991.

15. De Vries, M.; **The syntax of appositive relativization**: On specifying coordination, false free relatives, and promotion. *Linguistic Inquiry*; 2006
16. Halliday, M. A. K. **Language as social semiotics**; London: Edward Arnold, 1978.
17. _____ ; **On language and linguistics**; New York: NY: Continuum, 2003.
18. Hymes, D; “On communicative competence”; In **ociolinguistics**; John Pride and Janet Holmes (eds.); Harmon worth: Penguin, 1972.
19. Ishizuka, T.; **Restrictive and non-restrictive relative clauses in Japanese**: Antisymmetric approach; MS. Los Angeles: University of California, 2010.
20. Meyer, C.F; **Restrictive apposition**: An indeterminate category; *English Studies*. 1991
21. Quirk, R. Green Baum, S., Leech, G., & Svartvik, J.; **A comprehensive grammar of the English language**; London: Longman; 1985
22. Sopher, H.; **Apposition**; *English Studies*, 1971.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی